دو فصلنامه تخصصی
مطالعات آموزش زبان فارسی
سال سوم ـ شماره ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۷
(۵۸-۳۹)

Academic Biquarterly Journal of
Persian Language Teaching Studies
Vol. 3- No. 6
spring & summer 2018
(39-58)

بررسی اهمیت و کارکرد قصه‌گویی و قصه‌خوانی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

نفیسه ایرانی[1]

چکیده

یکی از قدیمی‌ترین روش‌های ارتباط زبانی از طریق داستان‌گویی و قصه‌خوانی است. از این روش می‌توان به عنوان یک ابزار آموزشی در توسعهٔ مهارت‌های زبانی، به‌ویژه در یادگیری زبان دوم و برای زبان‌آموزان هر سنّی استفاده کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در آموزش زبان، داستان‌گویی از آموزش‌های سنتی موثرتر است که یکی از دلایل آن جذابیّت داستان و ماهیت سرگرم‌کنندگی آن برای مخاطبِ زبان‌آموز است. همچنین از آنجا که زبان و فرهنگ هر ملت با یکدیگر ارتباطی متقابل دارند، آشنایی با فرهنگ یک ملت که در آیینهٔ داستان‌ها و قصه‌ها منعکس شده است، می‌تواند موجب افزایش انگیزه برای فراگیری زبان آن کشور شود و انگیزهٔ زبان‌آموز را فراتر از آموختن زبان، به سمت آشنایی بیشتر با فرهنگ و ادبیات آن ملت ببرد. هدف این پژوهش بررسی اهمیت و تأثیر این ابزار آموزشی بر چهار مهارت زبانی (شنیداری، گفتاری، خوانداری و نوشتاری) و ارائهٔ تکنیک‌هایی برای اجرای بهینهٔ آن است که با تمرکز بر آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان انجام گرفته است. کاربست برخی از این تکنیک‌ها علاوه بر چهار مهارت فوق در آموزش واژه و تلفظ و دستور زبان نیز مؤثر است. برای اطمینان از کارایی این پژوهش به‌صورت کاربردی آن را بر روی یک کلاس از زبان‌آموزان دانشگاه علامه طباطبایی آزمایش کردیم و نتایج حاصل از آن را در این پژوهش آوردیم.

کلید واژه‌ها:

داستان، قصه‌گویی، قصه‌خوانی، آموزش زبان فارسی، یادگیری زبان دوم.

---

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر فرهنگستان زبان وادب فارسی
تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۵

مقدمه

زبان و فرهنگ هر ملت با یکدیگر ارتباطی متقابل دارند. از این رو آشنایی با فرهنگ یک ملت هم می‌تواند موجب افزایش انگیزه برای فراگیری زبان آن کشور شود و هم انگیزهٔ او را فراتر از آموختن زبان، به سمت آشنایی بیشتر با فرهنگ و ادبیات آن ملت ببرد. بنا بر این ادبیات و فرهنگ غنی ایرانی و فارسی می‌تواند نقشی درخور برای یادگیری زبان فارسی و ارتقای سطح زبان فارسی‌آموزان ایفا کند.

حسن ذوالفقاری (۱۳۹۷: ۲) معتقد است که اغلب مطالب ادبی پر ارج و گران‌بها هستند و ارزش مطرح شدن در کلاس را به قصد آموزش زبان دارند. زبان‌آموزان از این طریق اطلاعات زبانی فراوانی را در خلال متن به دست می‌آورند، دایرهٔ لغات‌شان گسترش و املایشان بهبود می‌یابد، با سبک‌های ادبی آشنا می‌شوند و اطلاعات فرهنگی، اجتماعی، سبک زندگی و جهان‌بینی فراوانی دربارهٔ زبان فارسی کسب می‌کنند. همچنین از آنجایی که زبان فارسی پرکنایه و با عناصر ادبی آمیخته است فهم این کنایات و عناصر در بافت زبان آسان‌تر است؛ چراکه مطالب ادبی دست اول و اصیل است و به بهترین شکل استفادهٔ گویشوران را بازنمایی می‌کند.

در تدریس زبان فارسی به غیر فارسی زبانان و در سطوح مختلف زبانی -از مقدماتی تا پیشرفته- توجه مدرس به برخی نکات زبانی ضروری است، به‌ویژه درمورد انواع زبان معیار و گونه‌های سبکی پرکاربرد در زبان فارسی.

۱-۱. زبان معیار:

- زبان معیار در فارسی دو گونهٔ نوشتاری و گفتاری دارد. در تدریس زبان فارسی نیز برای تبیین بهتر این مطلب، از دورهٔ مقدماتی هر دو گونهٔ زبانی همزمان با یکدیگر تدریس می‌شود.

۱-۲. گونه‌های سبکی زبان:

- در زبان فارسی واژه‌ها و اصطلاحات بسیاری وجود دارد که مربوط به یکی از گونه‌های سبکی زبان است و استفادهٔ آن در گونه‌ای دیگر ناروا است. برای نمونه سبک‌های نشان‌دار[1] و پرکاربرد زبان به پنج دسته زیر قابل تقسیم‌اند:
- ۱-۲-۱. **سبک خودمانی** که در گفتار و نوشتار عادی و روزمره و هنگام صحبت با

دوستان و افراد صمیمی و نزدیک به‌کار می‌رود ولی به کار بردن آن در گفتگو با افراد غیرصمیمی یا غیرهمجنس مؤدبانه نیست. مانندِ در رفتن، زیر پای کسی نشستن، پاپی شدن، غرغرو.

• ۱-۲-۲. **سبک اداری و رسمی** که در موقعیت‌ها یا مکاتبات اداری، یا در روابطی مانند رابطهٔ زیردستان با مافوق خود به کار می‌رود، مانند به استحضار رساندن و مبذول فرمودن.

• ۱-۲-۳. **سبک ادبی** که معمولاً در متون ادبی به کار می‌رود، مانند گیسوان، سرشک و سیما.

• ۱-۲-٤. **سبک عوامانه** که افراد کم‌سواد به دلیل ناآگاهی از صورت صحیح آنها، به‌صورت غلط به کار می‌برند و این واحدها وارد زبان این طبقه شده است، مانند قلف، عسک و گُرجه.

• ۱-۲-۵. **سبک نامحترمانه و توهین‌آمیز** که به کار بردن آنها مذموم و به قصد توهین، تمسخر و تحقیر دیگری است. مانند اطلاق گامبو و بشکه به فرد چاق، زر زدن و فرمایش! در بافت تحکمی.

مدرس زبان فارسی با صلاحدید خود یا مرکز آموزشی، ممکن است توضیحِ هر یک از این موارد را برای سطحی از میانی به بالا مناسب بداند یا نخواهد به برخی از آنها بپردازد. برای نمونه ممکن است زبان ادبی یا اداری را تنها برای گروه پیشرفته یا فوق پیشرفته در نظر بگیرد و تمایلی به اشاره کردن به سبک عوامانه و نامحترمانه نداشته باشد.

نگارنده معتقد است که در آموزش زبان فارسی، مدرس باید همانند یک فرهنگِ زبان‌آموزِ استاندارد[۲] در کنار زبان‌آموزان قرار بگیرد. همان‌طور که رسالت چنین فرهنگی پرداختن به معنی روشن کلمات، مقولهٔ دستوری آنها، ارائهٔ صورت گفتاری و نوشتاری، معنی حقیقی و مجازی، ذکر نشان‌های سبکی هر یک از کلمات و اصطلاحات و حوزهٔ کاربردی آنها است، مدرس زبان فارسی نیز باید این موارد را برای زبان‌آموزان تبیین کند. سهل‌انگاری مدرس در این بخش می‌تواند خطرآفرین باشد. به عبارتی دیگر، زبان‌آموزی که درک درستی از حوزهٔ کاربرد واژه‌ها به دست نیاورده، ممکن است در یک بافت رسمی، عبارتی خودمانی یا نامحترمانه را به کار ببرد. از آنجا که اغلب این

نشانه‌های سبکی در داستان‌های ایرانی به کار رفته است، زبان‌آموزی که قصد آشنایی با فرهنگ و ادبیات این مرز و بوم را دارد با این گونه سبک‌ها رویارو خواهد شد. همچنین بر این اساس یکی از راه‌های آموزش سبک‌های زبانی در ادبیات فارسی، از طریق داستان مناسب آناست.

این پژوهش برآن است که به طور کلی به اهمیت آموزش زبان فارسی از طریق داستان‌بپردازد و راهکارها و تکنیک‌هایی برای کاربست این روش ارائه دهد.

پیشینهٔ تحقیق

در مورد کاردبرد داستان در آموزش زبان تحقیقات اندکی به زبان فارسی انجام شده است. در این زمینه پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی میزان تأثیر قصه‌گویی و قصه‌خوانی بر درک مطلب شنیداری» (بنفشه، ۱۳۸۸) نوشته شده که همان‌طور که از عنوان آن نیز بر می‌آید تمرکز نویسنده، تنها بر محور شنیداری بوده است.

رؤیا لطافتی (۱۳۸۷) نیز مقاله‌ای با عنوان «ادبیات بستری مناسب برای آموزش زبان به زبان‌آموز ایرانی» و مقالهٔ دیگری با همکاری شیما معلمی (۱۳۸۹) با عنوان «آموزش زبان به کمک قصه» نوشته‌اند. در این دو مقاله هرچند تمرکز مؤلف / مؤلفان بر زبان‌آموزان ایرانی بوده که زبان دیگری را می‌آموزند اما به صورت موجز و همراه با جامعهٔ آماری دیدگاه‌های مفیدی را در این‌باره بیان کرده‌اند.

مقاله‌ای نیز با عنوان «آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان برپایهٔ رویکرد داستان‌گویی با تکیه بر داستان‌های مثنوی» (هادیزاده و تقوی ۱۳۹۳) نوشته شده که چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید با تکیه بر مثنوی است.

حسن ذوالفقاری (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تمرین‌هایی برای کاربست ادبیات در آموزش زبان فارسی» به شیوه‌های تدریس ادبیات و نمونه‌هایی از تمرینهایی که می‌توان در این زمینه طراحی کرد اشاره کرده است.

اما در اینباره پژوهشهای بسیاری به زبان انگلیسی انجام شده است.

اسپیکر (Speaker، ۲۰۰۰: ص۱۸٤) با مقایسهٔ دو گروه از زبان‌آموزان که یکی را بر اساس کتاب درسی و دیگری را با به‌کارگیری روش قصه‌خوانی و قصه‌گویی آموزش داده است به این نتیجه می‌رسد که گروهی که با

تکیه بر قصه‌گویی و داستان آموزش داده شده‌اند مهارت‌های شنیداریشان بیشتر ارتقا یافته و در بیان شفاهی سریع‌تر رشد کرده‌اند، همچنین تفکر سازمان‌یافته‌تری در نوشته‌هایشان دارند.

ونگ (Wang، ۲۰۰۷: ص۳۰-۳۵) نیز این روش را انقدر پرفایده می‌داند که از قصه‌گویی به عنوان پلی برای آموزش زبان یاد می‌کند. در این میان کیم (Kim: ۲۰۱۰، ص ۴۵۰) نیز معتقد است توجه در انتخاب داستانی که متناسب با سطح زبانی زبان‌آموز باشد در ثمربخش بودن این روش اهمیت بسیاری دارد. والیان (Wallin: ۲۰۱۵، ص۱۰-۱۱) چنین می‌نویسد که داستان‌ها به دلیل قدرت سرگرم‌کنندگی و لذت‌بخش بودن جذابیت بیشتری دارند و از این طریق توجه مخاطب را بیشتر از دیگر متون جلب می‌کنند. همچنین از طریق شنیدن داستان از زبان قصه‌خوان و خواندن خود زبان‌آموز و بحث کردن در مورد آن مهارت شنیداری، خواندن و صحبت کردن او تقویت می‌شود.

جانی والیان (Wallin ۲۰۱۵) و کلودیا رزنده (Claudio Rezende ۲۰۱۶) همچنین به معرفی آثار دیگری که در آن اهمیت و تأثیر قصه‌خوانی و قصه‌گویی مطرح شده پرداخته‌اند.

در کتاب ۱۰۰ نکتهٔ تدریس از زبان پنی ار - به ترجمهٔ افسانهٔ غریبی- یکی از نکات تدریس به «داستان بگویید» اختصاص یافته است که به‌خوبی تأثیر داستان‌گویی را نشان می‌دهد. پنی ار (۱۳۹۷: ص۲۰۳) معتقد است یکی از روش‌های بسیار عالی برای اینکه زبان‌آموز در معرض زبان گفتار قرار گیرد از طریق داستان‌گویی معلم است که هم برای زبان‌آموزان کم سن و سال و هم بزرگسال کارآمد است. وی در ادامه توصیه می‌کند به جای بلند خواندن متن، بهتر است داستان را به زبان خودتان بگویید چون این‌گونه می‌توانید زبان داستان را ساده‌تر کنید و بعلاوه مستقیم با مخاطب صحبت کنید و تماس چشمی برقرار کنید (همان: ص۲۰۳ و ۲۰۴). پنی ار همچنین معتقد است که زبان‌آموزان بزرگسال از گوش دادن به ماجراهای زندگی مدرس، جوکها، افسانه‌ها و اتفاقات عجیب و غریبی که در اینترنت هم پیدا می‌شود لذت می‌برند و توجه‌شان را بر آن متمرکز می‌کنند (همان: ص۲۰۴).

در نهایت بیشتر مقالاتی که در این زمینه نوشته شده‌اند با به کارگیری

روش‌های مختلف در صدد تبیین اهمیت و تأثیر چشمگیر قصه‌خوانی و قصه‌گویی در آموزش زبان دوم هستند. راهکارهایی که ارائه می‌دهند نیز موراد زیر است:

- خواندن قصه با صدای بلند همراه با مکث، تأکید روی واژه‌ها و نشان دادن حالاتی مثل تعجب، خشم، خشنودی و ترس در میمیک صورت (Roney، ۱۹۹۶: ص ۷).
- ساده‌سازی داستان و تبدیل آن به زبان گفتار برای درک بهتر زبان‌آموزان و آشنایی بیشتر زبان‌آموز با زبان گفتار، و همچنین برقراری تماس چشمی آموزگار با آنها. (پنی ار، ۱۳۹۷: ص۲۰۳)

در دوره‌های بلند تربیت مدرس که در بنیاد سعدی برگزار شد نیز مدرسان تکنیک‌های مختلفی برای آموزش مهارت‌های چهارگانه مطرح کردند که یکی از این تکنیک‌ها استفاده از داستان با روش‌هایی متفاوت بود. برای نمونه در کلاس نوشتن و بیان شفاهی، مدرسان[۳] از نوشتن یک جمله انگیزشی روی کاغذ یا مطرح کردن آن به صورت گفتاری، صحبت کردند که هر زبان‌آموز می‌بایست برای تکمیل داستان یک جمله به جملهٔ قبلی اضافه کند و نفر آخر داستان را تمام کند یا برای یادسپاری بهتر، واژه‌های جدید را بر روی تخته بنویسیم و از زبان‌آموز بخواهیم با آنها داستان بسازد. این تکنیکها علاوه بر اینکه موجب تقویت دانش پیشین زبان‌آموز می‌شود به دلیل ماهیت بازی و داستان هم کاربردی و آموزنده است و هم جالب و سرگرم‌کننده.

سؤالات پژوهش

در این پژوهش کوشش شده که پاسخ روشنی برای این سؤال‌ها بیاوریم:

- آیا آموزش زبان فارسی از طریق داستان در ارتقای مهارت‌های چهارگانهٔ زبان‌آموزان کارآمد است؟
- برای ثمربخش شدن این روش چه اصولی را باید در نظر داشت و چه راهکارهایی را می‌توان ارائه کرد؟

فرضیهٔ پژوهش

فرضیات پژوهش نیز چنین بودند:

- آموزش زبان فارسی در بستر داستان و ادبیات از دیگر روشهای سنتی کارآمدتر است.
- برای حاصل شدن بهترین نتیجه در آموزش هر یک از مهارت‌ها از طریق داستان بهتر است تکنیک‌هایی را به کار برد. مانند: ایجاد تعلیق و انتظار. وادار کردن زبان‌آموز به

حدس زدن ادامهٔ داستان، تکرار داستان، خلاصهٔ داستان، اجرای داستان و ایجاد منطق گفتگویی.

روش تحقیق

در این مقاله در ابتدا از طریق روش کتابخانه‌ای مطالب گردآوری و سؤالات و فرضیات تحقیق ساماندهی شدند. سپس با پژوهش میدانی بر روی یک کلاس ٦ نفره از زبان‌آموزان دانشگاه علامه طباطبایی که از کشور روسیه به ایران آمده بودند، فرضیات مورد آزمایش قرار گرفتند.

کاربرد داستان در ارتقای مهارت‌های چهارگانهٔ زبان‌آموز

یادگیری زبان ابتدا با شنیدن آغاز می‌شود، پس از آن زبان‌آموز چگونه صحبت کردن را می‌آموزد و سپس با خواندن و نوشتن آشنا می‌شود. بنا براین با همین ترتیب به تأثیر داستان در ارتقای فرایند هر یک از مهارت‌ها پرداخته می‌شود:

٦-١. کاربرد داستان در ارتقای مهارت شنیداری

شنیدن اولین مهارتی است که زبان‌آموز فرا می‌گیرد و در روند یادگیری زبان بیشتر از مهارت‌های دیگر به کار می‌گیرد. استعلامی (١٣٧٩: ص١٦) معتقد است که اگر زبان‌آموز یاد بگیرد که دقیق و درست گوش بدهد در یک زمان معیّن چند برابر می‌تواند یاد بگیرد[٤]. بنا بر این برای محقّق شدن این امر نیز داستان ابزار سودمندی است.

در کلاسهایی که به مهارت شنیدن اختصاص یافته است، استفاده از قصه‌گویی به دلیل ماهیت جذابی که دارد زبان‌آموز را متمرکز و برای شنیدن ادامهٔ داستان کنجکاو می‌کند و همزمان زبان‌آموز را با تلفظ صحیح کلمات و ساختار دستوری جملات آشنا می‌کند. البته همان‌طور که کیم (Kim، ٢٠١٠: ص ۴۵۰) اشاره کرده باید در انتخاب داستانی متناسب با سطحِ همهٔ زبان‌آموزان یک کلاس دقت کرد.

لیلا بنفشه (١٣٨٨: صفحهٔ و) با اجرای قصه برای زبان‌آموزانی که سطح زبانی متوسط داشتند به این نتیجه می‌رسد:

- زبان‌آموزان با وجودی که سطح زبانی متوسط و دایرهٔ واژگانی محدود داشتند به خوبی

برنامه‌های قصه‌خوانی و قصه‌گویی را سپری کردند و از عهدهٔ آزمون درک مطلب نیز به خوبی برآمدند، چراکه معنی و مفهوم اکثر کلمات را در طول برنامه‌های قصه‌خوانی و قصه‌گویی درک کرده بودند. همچنین زبان‌آموزان در هر دو گروه قصه‌گویی و قصه‌خوانی نه تنها دچار اضطراب و نگرانی بابت آزمون نشدند، بلکه بی‌صبرانه مشتاق اجرای برنامه‌های قصه‌خوانی و قصه‌گویی بودند. چرا که می‌خواستند با حضور در این فضا از جو خشک و رسمی محیط آموزشی خود رها شوند و یادگیری را در فضا و محیطی دیگر تجربه کنند.

پس از آن همچنین با مقایسهٔ هر دو روش قصه‌گویی و قصه‌خوانی به این نتیجه نیز می‌رسد که تأثیر قصه‌گویی بر درک مطلب شنیداری بیشتر از تأثیر قصه‌خوانی است.

شنیدن قصه به دلیل اجرای زندهٔ آن، ارتباط چشمی زبان‌آموز و قصه‌گو و قرار گرفتن در فضای داستان و درک تقریبی فضا از طریق حالات مختلف قصه‌گو، مانند احساسات انعکاس یافته در چهره و یا تن صدای او عینی‌تر و ملموس‌تر از خوانش صرف است و به کمک مدرس برای ارتقای سطح شنیداری زبان‌آموز خواهد آمد.

۶-۱-۱. تکنیک‌های پیشنهادی

برای کارآمد بودن این روش بهتر است پیش از خوانش قصه، زبان‌آموز را به‌صورت کلی با واژه‌های مندرج در قصه آشنا کرد و یا دانش پیشینش را فعال و با طرح سؤالهایی مرتبط با موضوع قصه ذهن او را آمادهٔ شنیدن داستان کرد. در این مرحله می‌توان از طریق ایجاد طوفان فکری یا نقشهٔ معنایی[۵] از او بخواهیم واژه‌های مربوط به یک حوزه را بگوید. برای نمونه در اجرای داستان «لالایی» از هوشنگ مرادی کرمانی از زبان‌آموزان خواسته شد کلمات مربوط به زمستان، اعضای بدن و زیورآلات مربوط به هریک از اعضاء (مانند انگشتر، دستبند، گوشوار، گردنبند) را در سه مرحلهٔ مجزا نام ببرند، سپس با یادداشت کردن کلمات بر روی تخته از آنها خواسته شد که از این واژه‌ها داستان‌واره‌ای بسازند.

در هنگام خوانش قصه نیز می‌توان با ایجاد وقفه و سؤال از روند داستان از همراهی زبان‌آموزان اطمینان حاصل کرد و با رسیدن به نقطهٔ اوج داستان از آنها خواست که ادامهٔ قصه را حدس بزنند یا به دلخواه خود داستان را به پایان

برسانند. در این مرحله همچنین می‌توان از تصاویر و فایل‌های صوتی مرتبط بهره برد. برای نمونه در همین داستان علاوه بر پخش تصاویر مربوط به داستان، فایل صوتی از دو لالایی فارسی پخش شد و اشاره‌ای مختصر به درون‌مایهٔ لالایی‌های ایرانی شد.

پس از اتمام داستان از زبان‌آموزان خواسته شد درمورد لالایی‌های وطن خود صحبت کنند و اگر نمونه‌ای از لالایی‌های سرزمین خود را در خاطر دارند در کلاس بخوانند.

در پایان از زبان‌آموزان خواسته شد واژه‌ها و اصطلاحاتی را که برایشان جدید بود نام ببرند و مدرس با یادداشت کردن اصطلاحات روی برگه‌های جدا، از هریک از زبان‌آموزان خواست با پانتومیم آن را اجرا کنند و زبان‌آموزان دیگر آن واژه را حدس بزنند.

ضرب‌المثل‌های مربوط به داستان نیز در کلاس مطرح شد و از زبان‌آموزان خواسته شد که در یک بافت کوتاه داستانی با هم‌گروهی خود اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گفته شده را به کار ببرند.

به این ترتیب با ارزیابی استاد که در پایان کلاس و جلسات دیگر صورت گرفت این نتیجه به دست آمد که زبان‌آموزان اغلب واژه‌ها و اصطلاحاتی را که در قالب داستان به آنها آموزش داده شده، در خاطر دارند. همچنین اصلاحات و ضرب‌المثل‌هایی را که خودشان در بافت داستانی ایجاد کرده‌اند و به کار برده‌اند کاملاً به یاد دارند.

به این ترتیب در این روش علاوه بر مهارت شنیداری، مهارت گفتاری و یادگیری واژه نیز در راستای یکدیگر توسعه می‌یابد.

۶-۲. کاربرد داستان در ارتقای مهارت گفتاری

دومین مهارتی که زبان‌آموز پس از شنیدن، به‌کار می‌گیرد صحبت کردن است. زبان‌آموزی که مرحلهٔ شنیدن یا خواندن داستان را گذرانده است در این مرحله در مورد آن به بحث و تبادل نظر می‌پردازد. در این بخش تأثیر شنیدن و خوانش قصه بر بیان شفاهی زبان‌آموز به صورت غیر مستقیم است. به عبارتی در بخش شنیدن و خواندن زبان‌آموز به صورت مستقیم در معرض این دو مهارت قرار می‌گیرد اما یکی از نتایجی که این روش به دنبال دارد تأثیری است که به

صورت غیر مستقیم و با گسترش دایرهٔ واژگانی و اصطلاحی بر صحبت کردن او می گذارد.

۶-۲-۱. تکنیک‌های پیشنهادی

برای کارآمد بودن این روش بهتر است از آنها بخواهیم نظرشان را در مورد داستانی که شنیده‌اند بیان کنند. ممکن است نظر او در این بخش با نظر همکلاسی‌اش متفاوت باشد و برای قانع کردن یکدیگر با هم بحث کنند؛ یا از آنها بخواهیم خود را به جای شخصیت اصلی یا هر یک از شخصیت‌هایی که بیشتر با او ارتباط برقرار کرده بگذارند و بگویند اگر این اتفاق برای او می‌افتاد، چه کاری انجام می‌داد. ممکن است از تجربه‌های شخصی خودشان برای گفتگو درمورد آن داستان استفاده کنند. اما در این بخش هنر مدرس در این است که بلند اندیشیدن را در زبان‌آموزان فعال کند و افرادی را که در کلاس ساکت‌تر بوده‌اند از طریق پرسش و پاسخ تشویق کند تا افکار خود را بیان کنند.

همچنین می‌توانیم از آنها بخواهیم که خود را به جای داستان‌نویس بگذارند و بگویند اگر بنا بود آنها داستان را به پایان برسانند، آن را چه‌طور طراحی می کردند و چه نامی را برای آن انتخاب می کردند.

در پایان نیز می‌توان از زبان‌آموزان خواست که به دلخواه خود قصه‌ای را که بیشتر خوانده‌اند انتخاب کنند -به احتمال بسیار آن داستان به زبان مادری‌اش نوشته شده است- و آن را در کلاس به زبان فارسی ارائه دهند؛ یا اینکه داستان را به کمک همکلاسی‌های خود به نمایش درآورده و اجرا کنند که در این روش‌ها کاربرد داستان در توسعهٔ مهارت شفاهی به صورت مستقیم است.

۶-۳. کاربرد داستان در ارتقای مهارت خوانداری

برخی محققان هدف آموزش زبان خارجی را کسب مهارت خواندن عنوان کرده‌اند و این مهارت را پایه و اساس مهارت‌های دیگر دانسته‌اند؛ چرا که هرچه این مهارت بیشتر تقویت شود یادگیری مهارت‌های دیگر آسانتر خواهد بود (← چستن، ۱۹۸۹: ص۳٤٦-۵۲)

در بخش مهارت خواندن نیز تأثیر یک داستان جذاب خیلی بیشتر از یک متن

علمی خسته‌کننده است و فردی که به داستان علاقه داشته باشد از ساعت‌ها خواندن و شنیدن آن نیز لذت می‌برد و ملول نمی‌شود. بعلاوه زبان‌آموز با خواندن مداوم داستان کلمات و عبارات جدید یاد می‌گیرد، دانش پیشینش تقویت می‌شود و مهارت‌های کلامی‌اش افزایش پیدا می‌کند.

در ایران و بسیاری از کشورهای جهان برای یادگیری زبان‌های خارجی مانند انگلیسی، فرانسه و آلمانی داستان‌های سطح‌بندی شده‌ای موجود است که معلم‌های آن زبان کمابیش به زبان‌آموزان توصیه می‌کنند برای پیشرفت سریع‌تر، این کتاب‌ها را در کنار تکلیف‌های درسی در منزل بخوانند. متأسفانه برای فارسی‌آموزان چنین کتاب‌هایی با توجه به سطح زبان‌آموز منتشر نشده است. بنابر این در آموزش زبان فارسی یکی از گام‌هایی که نیاز هست برداشته شود تهیهٔ چنین داستان‌هایی با روشی اصولی است که ذیل عنوان «مؤلفه‌های یک داستان مناسب آموزشی» به آن خواهیم پرداخت.[٦]

٦-٣-١. تکنیک پیشنهادی

در اجرای طرح قصه‌خوانی در کلاس آموزش زبان می‌توان از داستان‌هایی که دیالوگ دارند استفاده کرد برای نمونه در این بخش، از داستان ماهی سیاه کوچولو از صمد بهرنگی استفاده شد. بعد از خواندن قصه از زبان استاد، به هریک از زبان‌آموزان نقشی داده شد، و در تکرار داستان، که با همکاری همهٔ زبان‌آموزان صورت گرفت، هر کس دیالوگ یک یا دو شخصیت داستان را خواندند و نقش ماهی سیاه کوچولو را استاد اجرا کرد.

زبان‌آموزان معتقد بودند در این روش صداهای متفاوت درون متن را بهتر احساس کردند و ارتباط بیشتری با داستان برقرار کردند.

٦-٤. کاربرد داستان در ارتقای مهارت نوشتاری

کسی که داستان‌های بیشتری می‌خواند یا می‌شنود حرف‌های بیشتری برای به اشتراک گذاشتن و تخیل قوی‌تری برای نوشتن دارد. بنابر این تأثیر قصه‌خوانی و قصه‌گویی در این بخش نیز به صورت غیرمستقیم است.

البته در کلاس نوشتن نیز می‌توان از تکنیک نوشتن داستان به صورت مستقیم استفاده کرد؛ هرچند در این بخش از زبان‌آموز انتظار نمی‌رود که یک داستان

خلق کند، اما چنان‌که پیشتر اشاره شد با طراحی یک بازی داستانی معلم می‌تواند در کلاس نوشتن نیز دانش پیشین زبان‌آموز را فعال کند.

٦-٤-١. تکنیک‌های پیشنهادی

برای کارآمد بودن این روش بهتر است از این روش‌ها بهره جست:

- ٦-٤-١-١. بخشی از یک داستان را می‌خوانیم، به نقطهٔ اوج که رسید از زبان‌آموزان می‌خواهیم ادامهٔ داستان را حدس بزنند و بنویسند؛
- ٦-٤-١-٢. لغات و اصطلاحات داستان را می‌نویسیم و از زبان‌آموزان می‌خواهیم با آنها داستان دیگری خلق کنند؛
- ٦-٤-١-٣. از زبان‌آموزان می‌خواهیم خلاصه، پیام و نتیجهٔ داستان را در چند خط بنویسند؛
- ٦-٤-١-٤. از زبان‌آموزان می‌خواهیم با بهره‌گیری از داستان‌های مشابهی که تاکنون خوانده‌اند بر شخصیت‌های داستان بیافزایند و داستان را بازآفرینی کنند؛
- ٦-٤-١-٥. جمله آغازین داستان را می‌نویسم و از زبان‌آموزان می‌خواهیم به ترتیب هر یک، یک جمله اضافه کنند و نفر آخر داستان را به پایان برساند؛
- ٦-٤-١-٦. تصویرهایی را به زبان‌آموزان می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم با آن تصاویر داستانی بسازند.

به کار بردن این روشها کلاس داستان را جذاب و فعال و روند یادگیری را تسهیل می‌کند. سه روش نخست در تدریس به زبان‌آموزان روسی اجرا شد. زبان‌آموزان با حدس زدن پایانی متفاوت از آنچه نویسندهٔ اصلی آورده بود، با شنیدن انتهای داستان شگفت‌زده شدند و در مورد آن به بحث و تبادل نظر پرداختند. با واژه‌ها داستان دیگری نوشتند و اشکال‌های نوشتاری آنها که تنها درمورد حوزهٔ کاربرد واژه‌ها و برخی اصطلاحات بود برطرف شد.

مؤلفه‌های یک داستان مناسب آموزشی

داستان‌هایی که با هدف آموزش زبان انتخاب می‌شوند، برای رساندن مدرس به این هدف باید دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاصی باشند. برای نمونه نمی‌توان از داستان‌های کودکان با این توجیه که واژه‌های ساده‌تری دارند استفاده کرد. بلکه باید داستان‌هایی مناسب تدریس زبان طراحی و یا از میان داستان‌های موجود انتخاب کرد.

چنان‌که پیشتر گفته شد در آموزش زبان فارسی یکی از گام‌هایی که نیاز هست برداشته شود، تهیهٔ داستان‌های سطح‌بندی شده است که مدرسان با تدریس یا توصیهٔ خواندن آنها به زبان‌آموزان یادگیری زبان فارسی را جذاب‌تر و آسان‌تر کنند. البته اخیراً داستان‌هایی به‌صورت دوزبانه منتشر شده است که در نوع خود مفید و بعضی برای سطوح زبانی بالا کارآمد هستند[۷].

نکتهٔ بایستهٔ توجه برای تهیه چنین کتاب‌های سطح‌بندی شده‌ای استفاده از زبان‌شناسی پیکره‌ای و توجه به تعداد کلمات و کلمات پربسامد است[۸].

نگارنده با ملاحظهٔ برخی از داستان‌های سطح‌بندی شده که برای یادگیری زبان انگلیسی طراحی شده است، متوجه سطح‌بندی داستان‌ها بر اساس تعداد کلمات موجود در پیکرهٔ زبانی داستان شد. برای نمونه داستان‌های سطح‌بندی شدهٔ انتشارات لانگمن در ٦ سطح، بر مبنای تعداد واژه‌های اصلی طراحی شده و پشت جلد کتاب به سطح هر یک از کتاب‌ها اشاره شده است. برای نمونه کتاب‌های این مجموعه بر این اساس سطح‌بندی شده‌اند:

- سطح ۱: ۲۰۰ کلمه
- سطح۲: ۳۰۰ کلمه
- سطح۳: ٦۰۰ کلمه
- سطح٤: ۱۷۰۰ کلمه
- سطح٥: ۲۳۰۰ کلمه
- سطح٦: ۳۰۰۰ کلمه

بنابر این کتابی که برای سطح ۱ تألیف شده، مبتنی بر ۲۰۰ کلمهٔ پربسامد زبان انگلیسی است و به این ترتیب از داستان‌های ساده‌تر شروع شده و به تدریج به موازات رشد ادراکی زبان‌آموزان داستان‌ها سخت‌تر می‌شوند. از جمله موارد دیگری که باید در انتخاب این داستان‌ها به آن توجه داشت، عبارت است از:

- موضوع و مضمون قصه برای زبان‌آموزان جالب و قابل فهم و در عین حال از امور جهانشمول و فاقد سوگیری‌های مذهبی، سیاسی و فرهنگی باشد. همچنین اجتناب از انتخاب داستان‌هایی که به شکل صریح در پی آموزش یا القای نکات اخلاقی یا دینی هستند.
- از کلمات پرکاربرد زبان استفاده شده باشد و واژه‌های به کار رفته در آن معنای صریحی داشته باشند.

• جمله‌بندی‌ها به‌ویژه در آموزش به سطوح پایین‌تر ساده (و نه از جملات مرکب از پایه و پیرو) باشد.

• تعداد شخصیت‌های قصه زیاد نباشد و توالی حوادث آن روشن و صریح باشد. زیرا باعث خواهد شد زبان‌آموز هنگام گوش دادن توالی حوادث قصه را گم کند یا تزاحم شخصیت مانع فهم داستان شود.

• دارای ویژگی‌های فنی مانند گره‌افکنی و گره‌گشایی باشد. مدرس می‌تواند این بخش قصه را با کمک زبان‌آموزان مشخص کند و از تخیل او نیز برای ایجاد بحث و تبادل نظر در کلاس استفاده کند.

• بهتر است ترکیبی از روایت و نقل قول‌های شخصیت‌های قصه باشد.

• سعی شود ساختارهای دستوری مختلف متناسب با سطح زبان‌آموز در داستان‌ها استفاده شود و در بخش پرسش و تمرین تمرکز بیشتری بر آنها شود، مثلاً آوردن زمان‌های مختلف افعال، موصوف و صفت در زبان فارسی، صامت میانجی و ... .

همچنین برای تهیهٔ چنین کتاب‌هایی پیشنهادهای زیر نیز قابل توجه است:

• استفاده از داستان نویسنده‌های معاصر که با زبانی ساده نقل شده است در سطوح مقدماتی و میانی کارآمد است. برای نمونه داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی، علی خدایی و بعضی داستان‌های صمد بهرنگی و یا قصه‌هایی که مهدی آذریزدی در مجموعهٔ قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن و یا هشت مجموعهٔ قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب آورده‌اند.

• استفاده از داستان‌های عامیانه، داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی، داستان ضرب‌المثل‌ها. مثل داستان‌های مشهور شاهنامه، افسانه‌های هزار و یک شب و داستان ضرب‌المثل‌هایی مانند یک کلاغ چل کلاغ، فوت کوزه‌گری و ... .

• بازنویسی داستان‌های مطرح زبان فارسی به زبانی ساده‌تر برای نمونه داستان‌های سیمین دانشور، جلال آل احمد و جمالزاده یا داستان‌های کهن مانند داستان‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه.

• استفاده از تجربیات شخصی و شبه‌خاطره‌ها.

نحوهٔ ارائهٔ داستان‌های آموزشی

پنی ار (همان: ۲۳) به این نکته اشاره دارد که تکرار در این نوع آموزش نقش مهمی دارد. اگر قصه برای زبان‌آموزان جالب و جذاب باشد، آنها دوست دارند چندین بار آن را بشنوند. حتی معلم زبان می‌تواند با تکرار قصه زمینه‌ای را

ایجاد کند که زبان‌آموزان بتوانند در عین یادگیری مطالب زبانی قصه، فرایندهای ذهنی‌شان را فعال کنند. به طوری که زبان‌آموز با قرار دادن خود به جای شخصیت‌های داستان و همزادپنداری در حرکات، رفتار و گفتار در ابتدا قدرت درک زبانی خود را فعال می‌کند و در مرحلهٔ بعد باعث تولید زبانی می‌شود.

مدرس همچنین می‌تواند با به کارگیری انواع وسایل دیداری و شنیداری مانند فیلم، انیمیشن، تصاویر و با پخش مطالب صوتی جذابیت داستان را بیشتر کند. استفاده از داستان‌هایی که تبدیل به فیلم شده‌اند و پخش قسمت‌هایی از آن در کلاس نیز می‌تواند مفید باشد، مانند داستان «چکمه» از هوشنگ مرادی کرمانی (۱۳۷۵).

بهتر است هنگام ارائهٔ داستان، با پررنگ کردن یا با استفاده از رنگی متفاوت کلمات و اصطلاحات جدید، داستان را برای زبان‌آموز مشخص کرد تا توجه او به آن واژه‌ها بیشتر شود و یا مدرس هنگام خواندن داستان آن را با تاکید بیشتری بخواند. همچنین می‌توان فهرستی از لغات و اصطلاحات داستان تهیه کرد و در اختیار زبان‌آموز گذاشت و یا از خود زبان‌آموز خواست لیستی از واژه‌ها و اصطلاحات داستان تهیه کند.

هنگام تدریس اصطلاحات حتماً به گونهٔ زبانی (گفتگویی، عامیانه و رسمی) واژه‌ها و اصطلاحات تاکید شود. از زبان‌آموزان بخواهیم در جمله‌هایی اصطلاحات را به کاربرند تا مطمئن شویم حوزهٔ کاربرد اصطلاحات را به خوبی درک کرده‌اند. کوتاهی مدرس در این بخش موجب می‌شود زبان‌آموز مرز میان زبان گفتگویی، عامیانه و رسمی را به خوبی درک نکند و کلمات هر حوزه را در حوزهٔ دیگر به کار ببرد. در ارزشیابی اولیه‌ای که پس از اجرای داستان‌های دارای زبان گفتار صورت گرفت، متوجه شدیم در تمرین‌هایی که به زبان‌آموزان واگذار شده، بافتی گفتگویی را در جمله‌ای رسمی به کار برده‌اند. این مشکل با توضیح و تمرین مکرر اصلاح شد.

در پایان برای ارزشیابی نهایی بهتر است تمرین‌هایی را مناسب با داستان آموزشی طراحی کرد. مثلاً قسمت‌هایی از داستان را آورد و از زبان آموز خواست جملهٔ مناسب را در جای خالی قرار دهد، زمان داستان را تغییر دهد و یا صورت گفتاری را در داستان مشخص کند و به صورت نوشتاری تبدیل کند (برای

مشاهدهٔ تمرین‌های بیشتر ← ذوالفقاری، ۱۳۹۷: صص ٦-۱۰).

در آزمونی که در پایان کلاس از زبان‌آموزان گرفته شد زبان‌آموزان نهایت ۵۰ درصد واژه‌ها و اصطلاحاتی را که خارج از بافت داستانی به آنها آموزش داده شده بود به یاد داشتند در حالی که حدود ۹۵ تا ۱۰۰ درصد واژه‌ها و اصطلاحاتی را که از طریق داستان فراگرفته بودند به یاد داشتند. در آزمون نهایی که از سوی مرکز گرفته شد همگی با نمره‌های عالی به دورهٔ بالاتر راه یافتند و دو زبان‌آموز که پیشرفت چشمگیرتری داشتند توانستند به دو دوره بالاتر راه یابند.

زبان‌آموزان در نظرسنجی نیز از این شیوهٔ آموزش ابراز خرسندی کردند و هنگام بازگشت به وطنشان نیز شماری از کتاب‌های داستانی را خریداری کردند.

۹. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی در توسعهٔ مهارت‌های زبانی، به‌ویژه در یادگیری زبان دوم، قصه‌خوانی و قصه‌گویی است. داستان‌ها به دلیل قدرت سرگرم‌کنندگی و لذت‌بخش بودن، جذابیت بیشتری نسبت به دیگر متون دارند و برای زبان‌آموزان هر سنّی کاربرد دارند. این ابزار آموزشی در ارتقای چهار مهارت شنیداری، گفتاری، خوانداری و نوشتاری کارآمد است و با استفاده از روشها و تکنیک‌های مختلف در هر یک از مهارت‌ها موجب رشد ادراکی زبان‌آموزان می‌شوند.

زبان‌آموز در کنار خواندن و یا شنیدن داستان (چنان‌که گفته شد،قدرت تاثیر آن بیشتر از دیگر متون آموزشی است) همزمان با تلفظ صحیح کلمات و ساختار دستوری جملات آشنا می‌شود. مدرس با ایجاد چالش درمورد داستان و بحث و تبادل نظر پیرامون آن یا درخواست تلخیص، تعریف و اجرای آن، بیان شفاهی زبان‌آموز را توسعه می‌بخشد. در کلاس نوشتن نیز مدرس با طراحی یک بازی داستانی می‌تواند دانش پیشین زبان‌آموز را فعال کند و به مرحله تولید برساند.

در بخش خواندن یکی از گام‌هایی که بایسته است برای آموزش زبان فارسی برداشته شود تهیهٔ داستان‌های سطح‌بندی شده بر مبنای زبان‌شناسی پیکرهای است. برای تدوین چنین کتاب‌هایی می‌توان از داستان نویسنده‌های معاصر استفاده کرد که با زبانی ساده نقل شده‌اند یا داستان‌های مطرح زبان فارسی را به زبانی ساده‌تر بازنویسی کرد.

با ارزشیابی زبان‌آموزان نیز این نتیجه به دست آمد که زبان‌آموزان اغلب واژه‌ها و اصطلاحاتی را که در قالب داستان به آنها آموزش داده شده، در خاطر دارند و کاملاً اصلاحات و ضرب‌المثل‌هایی را که خودشان در بافت داستانی ایجاد کرده‌اند و به کار برده‌اند به یاد سپرده‌اند.

در پایان برای گرفتن نتیجهٔ مطلوب از این ابزار آموزشی پیشنهاد می‌شود که مدرس از تکنیک‌هایی کمکی مانند وسایل کمک آموزشی، ارزشیابی مکرر و طرح تمرین استفاده کند و از فراگیری کامل مطالب اطمینان حاصل کند.

پینوشت:

- گونه‌های نشان‌دار زبان در مقابل گونه‌های بین‌شان و معیار قرار دارند که در فرهنگ‌های لغت استانداردی که توجه به گونه‌های زبانی دارند، بدون هیچ برچسبی تعریف می‌شوند.
- متأسفانه در زبان‌فارسی چنین فرهنگی تألیف نشده است و فرهنگ زبان‌آموز فارسی (صفرزاده و حسنی ۱۳۸۸) از آنجایی که برای سطح مقدماتی تألیف شده، تنها گونهٔ گفتاری و نوشتاری را دارد. در زبان انگلیسی میتوان Cambridge Advanced Learners Dictionary را که در انتشارات لانگمن منتشر شده است نام برد.
- مدرسان این درس‌ها آقای حمید آقایی و سرکار خانم شیما اسلامی فخر بودند.
- استعلامی (۱۳۷۹: ۱۶) همچنین پیشنهاد می‌کند زبان‌آموز صدای استاد را در یک مقوله ضبط کند و با صدای ضبط شدهٔ خودش مقایسه کند. این کار به او کمک می‌کند درس را بهتر بفهمد و پیشرفت سریع‌تری داشته باشد.
- اندرسون (۱۹۹۹: ۱۴ و ۱۵) طوفان فکری (= brainstorming) را به عنوان روشی معرفی می‌کند که در آن به زبان‌آموزان یک کلمه یا مفاهیمی مربوط به یک حوزه داده می‌شود و از آنها خواسته می‌شود کلمات مرتبط با آن را بیان کنند. همچنین می‌توان آن را به صورت هندسی بر روی تخته نمایش داد.
- تهیهٔ این کتابها در دستور کار نگارنده و خانم شهره سادات سجادی قرار دارد.
- البته می‌توان به برخی کتاب‌های دوزبانهٔ انگلیسی-فارسی، عربی-فارسی و بوسنیایی-فارسی اشاره کرد که به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است یا کتاب خمره از هوشنگ مرادی کرمانی که تاکنون به ۱۷ زبان زنده دنیا ترجمه شده است.
- این نکته را جناب آقای فرهاد قربانزاده یادآور شدند و برای انجام این کار پیکرهٔ فارسی روز به

صاحب امتیازی انتشارات تیسا را مناسب دانستند. واژه‌های پرکاربرد فارسی امروز (حمید حسنی ۱۳۸٤) و فرهنگ بسامدی... (بیجن خان و محسنی ۱۳۹۱) نیز در این زمینه حائز اهمیت‌اند. در اینجا همچنین از سرکار خانم اکرم نعمت‌اللهی، پژوهشگر بنیاد سعدی که در طی این مقاله منابع مفیدی را در اختیارم قرار دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

کتابنامه

- ار، پنی،(۱۳۹۷) ، ۱۰۰ نکتهٔ تدریس از زبان پنی ار؛ ترجمه: افسانه غریبی، تهران، نشر نویسهٔ پارسی.
- استعلامی، محمد (۱۳۷۹) آموزش زبان، آموزش ادبیات دو مقولهٔ آموزشی (از مجموعهٔ سخنرانی‌ها)؛ تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بنفشه، لیلا. (۱۳۸۸) «بررسی میزان تأثیر قصه‌گویی و قصه‌خوانی بر درک مطلب شنیداری»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبایی، استاد راهنما: خانم دکتر مدرسی قوامی.
- بیجن خان، محمود و مهدی محسنی؛ (۱۳۹۱) فرهنگ بسامدی بر اساس پیکرهٔ متنی زبان فارسی امروز؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بهرنگی، صمد، (۱۳۷۷) ماهی سیاه کوچولو؛ تبریز، نشر بهرنگی.
- حسنی،فرزاد، (۱۳۸٤) واژه‌های پرکاربرد فارسی امروز (بر مبنای پیکرهٔ یک میلیون لغتی؛ شامل بیش از ۸۰۰۰ لغتِ قاموسی و غیرقاموسی)؛ تهران، نشر کانون زبان ایران.
- صفرزاده، بهروز و حمید حسنی(۱۳۸۸) فرهنگ زبان‌آموز فارسی سطح مقدماتی؛ تهران، کانون زبان ایران.
- چستن، کنت، (۱۹۸۹) گسترش مهارت‌های آموزش زبان دوم (تئوری و عملی)؛ ترجمه: محمود نورمحمدی، تهران: رهنما.
- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۹۷) «تمرینهایی برای کاربست ادبیات در آموزش زبان فارسی»؛ خبرنامهٔ گروه آموزش زبان فارسی فرهنگستان، شمارهٔ ٤۸، صص ۱-۱۰.
- لطافتی، رؤیا، (۱۳۸۷) «ادبیات، بستری مناسب برای آموزش زبان به زبان‌آموز ایرانی»؛ مجلهٔ پژوهش زبان‌های خارجی، شمارهٔ ٤٦، صص ۱۰۱-۱۱۵.
- لطافتی، رؤیا و شیما معلمی؛ (۱۳۸۹) «آموزش زبان به کمک قصه»؛ مجلهٔ نقد زبان و ادبیات خارجی، شمارهٔ ٤، صص ۱۲۹-۱٤۲.
- مرادی کرمانی، هوشنگ، (۱۳۷۵) نتور (مجموعه داستان)؛ تهران، انتشارات معین.

• مرادی کرمانی، هوشنگ؛(۱۳۸٦) پلو خورش (مجموعه داستان)؛ تهران، انتشارات معین.
• هادی‌زاده، محمدجواد و محمد تقوی؛(۱۳۹۳) «آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان برپایهٔ رویکرد داستان‌گویی با تکیه بر داستان‌های مثنوی»؛پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران، دورهٔ ٤، شمارهٔ ۲، صص ۳۱۷-۳٤۰.
• Anderson, N. J; (۱۹۹۹) (Exploring Second Language Reading: Issues and Strategies; USA, Boston, Heinle & Heinle Publishers.
• Cambridge Advanced Learner's Dictionary;(۲۰۱۳) , Fourth Edition, Cambridge University.
• Du Maurier, daphne;)۱۹۹۱), Rebecca; London, longman,.
• Kim, M; (۲۰۱۰) "The effects of storytelling on adult English language learners"; Linguistic Research, ۳) ۲۷), P ٤٧۳-٤٤٧.
• Rezende, Claudio;(۲۰۱٦) "The role of storytelling in language learning"; A literature review, Working Papers of the Linguistics Circle of the University of Victoria, ۱) ۲٦), P ٤٤–۲٤.
• Roney, R. Craig;(۱۹۹٦), "Storytelling in the classroom: Some theoretical thoughts"; Storytelling world, Volume ۹, , P ۹-۷.
• Speaker, K. M;(Fall ۲۰۰۰) "The art of Storytelling: A collegiate connection to professional development school"; Academic journal article., Vol. ۱۲۱, No. ۱.
• Wallin, Janni; (, ۲۰۱٥)Storytelling and language development: Berättandets roll för språkutveckling; Examensarbete i fördjupningsämnet Engelska och lärande, malmö högskola, fakulteten för lärande och Samhälle Ksm.
• Wang, F., & Lee, S. (۲۰۰۷) "Storytelling is the bridge". International Journal of Foreign Language Teaching, ۳٥-۳۰ ,(۲) ۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی